

## به نام خدا

### گزارش برگزاری دومین نشست دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی

دومین نشست دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی روز دوشنبه ۱۳۹۶/۸/۱ در دانشگاه مفید برگزار شد. این نشست از ساعت ۱۴ تا ۱۷ برگزار شد.

در این نشست نخست آقای دکتر مرتضی عزتی، دبیر همایش و رئیس انجمن اقتصاد اسلامی ایران در باره نظریه‌های رفاه و فقر در علم اقتصاد و عملکرد حضرت پیامبر (ص) و حضرت امیر (ع) سخنرانی کردند این نتیجه را گرفتند که با توجه به تفاوت در عملکرد پیامبر و جانشینان او و نیز تفاوت ویژگی‌های زمان‌های گوناگون، همراه با شباهت هر یک با برخی نظریه‌های علمی روز، امروز می‌توان از یافته‌های علم برای رفع فقر استفاده کرد و این یافته‌ها با دین مغایرتی ندارد.

سپس آقای دکتر وحید محمودی عضو هیات علمی دانشگاه تهران سخنرانی خود را با عنوان نقد نگاه متعارف اقتصادی به مفهوم و اندازه گیری فقر: فقر به مثابه محرومیت از قابلیت‌ها ارایه کردند. در توضیح شماره داشتند که علم اقتصاد بطور اعم و اقتصاد توسعه به طور اخص علیرغم برخی شکست‌ها و ناکامی‌ها همواره در اندیشه انسان و رفاه او بوده است. تاریخ اقتصاد با موضوع توجه به فقر عجین است و هیچ نظر اقتصادی و اقتصاد توسعه نیست که در آغاز یا نهایت به موضوع فقر بی‌تفاوت باشد. با این وجود بسیاری از نگاه‌ها به فقر تنها عامل درآمد را ملاک دارد، در حالی که فقر محدود به درآمد نیست. تعریف فقر بر حسب محرومیت از قابلیت‌ها بزرگترین مزیتی که دارد تبیین سیاستها و اقدامات اجتماعی خاص است که نه به‌صورت گذرا بلکه به صورت ریشه‌ای به مورد اجرا گذاشته شود. سیاستهایی که به طور هدفمند گروه‌های خاص را مورد توجه قرار می‌دهد. آقای دکتر سید ضیاءالدین کباءالحسینی، عضو هیات علمی دانشگاه مفید سخنران دیگر این نشست بود که به موضوع امکان برطرف شدن فقر با زکات در عصر حاضر پرداختند. ایشان با ارایه آمار زکات و برآورد حداکثر زکات ممکن در عصر حاضر بر پایه سنت، به این نتیجه رسیدند که زکاتی که بر پایه سنت تعریف می‌شود امروزه توان رفع فقر در ایران را ندارد. اگر خمس را در نظر بگیریم می‌تواند برطرف کننده فقر باشد. بر این پایه باید با تعمیم زکات یا ارایه راه دیگری به تکمیل رفع فقر پرداخت. همچنین یکی از موانع رفع فقر با نگاه دینی را وجود نگاه ایدئولوژیک در قانون‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور از جمله قانون زکات دانستند.

آقای علاءالدین ازوجی، مشاور وزیر و مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سخنران دیگر این نشست به ارایه سخنرانی با عنوان تاملی در کاهش فقر از طریق بهره‌وری پرداختند. ایشان پس ارایه آمارها و استدلال‌ها در باره اثر بهره‌وری بر فقر اشاره داشتند که بهره‌وری می‌تواند رشد ایجاد کند و فقر را کاهش دهد. بر این پایه می‌توان گفت عوامل مختلفی بر بهره‌وری اثر دارند. چنانچه بتوان این عوامل را تحریک کرد می‌توان بخشی از این عوامل را اسان‌تر و بخشی را دشوارتر تحریک کرد. با تحریک اینها و افزایش بهره‌وری می‌توان هم رشد ایجاد کرد و هم بخشی از فقر را برطرف کرد.

سپس میزگردی با مدیریت آقای دکتر محمدرضا یوسفی، عضو هیات علمی و رئیس مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید، برگزار شد که در آن نکات زیر نیز گفته شد.



حجت‌الاسلام حسن آقا نظری: زکات و خمس را نباید جدا کرد. هر دو باید برای رفع فقر استفاده شود. همچنین روایتی که می‌فرماید اگر زکات پرداخت شود فقر برطرف می‌شود، ناظر به شرایطی است که بیکاری نیست و تعداد فقرا کم است.

دکتر مجتبی باقری: با توجه به حجم اندک تولیدات کشاورزی در امروز جهان، ما چاره‌ای نداریم جز اینکه زکات را به معنای اعم آن بگیریم و شمول آن را گسترش دهیم تا بتواند فقر را برطرف کند.

دکتر کیا‌الحسینی: نظر من هم این است که باید راه دیگری بیابیم. مانند اینکه خمس را وارد کنیم. برای زکات قانون داریم ولی برای خمس نداریم. علت آن تسلط ایدئولوژی بر قانون‌گذاری است. هر قانونی که بتواند رشد ایجاد کند و فقر را برطرف کند و عقلانی باشد و بر اساس قراردادهای اجتماعی باشد، قابل قبول است.

دکتر محمد اسماعیل توسلی: زکات و دیگر اعمال و دستوره‌های دینی چند بعدی است و می‌تواند هم عبادت و هم فقر زدا و هم رشد ایجاد کند. همچنین ما نمی‌توانیم منتظر ایجاد رشد باشیم. سپس فقر را رفع کنیم.

دکتر محمودی: سهم دارندگان تحصیلات تکمیلی در ایران بیش از نیاز است و یکی از چالش‌های بیکاری و فقر در ایران است. هرم تحصیلات باید اصلاح شود و به گسترش آموزش حرفه‌ای در پایین هرم بپردازیم.

دکتر ازوجی: پرداخت یارانه‌های نقدی عاملی برای این شده است که دولت نتواند به اندازه کافی در زمینه آموزش و سلامت سرمایه‌گذاری و هزینه شود. نکته دیگر اینکه بنگاه‌های ما نیاز به ترکیب فارغ‌التحصیلان موجود ندارد و باید این ترکیب اصلاح شود.

دکتر عزتی: حضرت امیر (ع) در طول زمان دیدگاه‌های متفاوتی ارایه کرده‌اند. در مدینه یک گونه، در کوفه آغاز حکومت یک گونه و در اواخر حکومت گونه‌ای دیگر، این دو معنا دارد: یکی اینکه حضرت از علم روز می‌آموختند، پس علمم روز بشر از نگاه اسلامی برای سیاست‌گذاری معتبر است و دیگری اینکه فرمایشات و سیاست‌های حضرت امیر (ع) متناسب با شرایط جامعه متفاوت بوده است. از هر دو اینها می‌توان نتیجه گرفت که ما هم می‌توانیم بر پایه شرایط و مبتنی بر علم اقتصاد سیاست‌گذاری کنیم. نگاه کسانی که سیاست‌گذاری اسلامی را تنها بر پایه آنچه در زمان پیامبر و ائمه مورد تأیید ایشان بوده است می‌دانند نادرست است. این نشست با جمع‌بندی نشست از سوی آقای دکتر یوسفی و آقای دکتر عزتی به پایان رسید.



در ادامه، خلاصه مطالب سخنرانی‌ها آورده شده است.

## علتها و راه حلهای فقر و رفاه در علم اقتصاد و عملکرد پیامبر (ص) و علی (ع)

### دکتر مرتضی عزتی: دبیر همایش و رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران

فقر یکی از موقیتهای نامطلوب و رنج آور برای همه انسانها است که رفاه را از بین می برد. رفاه موقعیتی مطلوب است که بر پایه ویژگیهای ذاتی انسانها، موجب رفع دردها و آلام می شود و خوشایند انسانی است. از این رو همه از فقر گریزانند و بر پایه ویژگی ذاتی حب ذات و انگیزی دوری از رنج، انسانها کوشش می کنند به فقر دچار نشوند و هر گاه انسانها با آن مواجه می شوند، می کوشند راهی برای فرار از آن بیابند. رفاه به گونه ای و از نگاهی، مقابل فقر است و دستیابی به آن می تواند رفع فقر دانسته شود. بر این پایه نظریه های اقتصادی گسترده ای در باره آن ارایه شده است. هر چند مبنای مفهوم فقر، فردی است، ولی از آنجا که فقر آثار اجتماعی گسترده ای در جامعه های انسانی دارد، برای دانشمندان، سیاستمداران و تصمیم سازان بسیار مهم دانسته شده است. همچنین به علت این آثار گسترده، از دیدگاه اجتماعی به ابعاد ارزشی پیوند عمیق خورده و دیدگاههای ارزشی نیز در آن اثرگذار بوده اند. بر این پایه دیدگاههای ارزشی مکتبهای اقتصادی در باره آن متفاوت شده است.

با این وجود بر پایه نظریه های علمی به صورت روشن، عواملی برای فقر وجود دارد که علت های آن دانسته شده است. همچنین در علم برای رفع آن راه حل هایی مشخص شده است که بر پایه عقل و تجربه بشری به دست آمده و در طول فرایند تکاملی علم کامل تر شده است. هر چند این راه حلها، روشن است، ولی برخی سیاستگذاران و برنامه ریزان در جوامع گوناگون با آن برخورد غیر عقلانی کرده و از به کار بستن آنها به علت های گوناگون و با بهانه های غیر موجه خودداری می کنند.

از این رو اندیشمندان در جامعه های گوناگون، وجود فقر را بر عهده سیاستگذاران و رهبران جامعه می دانند. ناکامی در تحقق رفاه را ناشی از استفاده نکردن از سیاست های درست و یا به کار گیری سیاست های مغایر با فقر زدایی می دانند. بر پایه دانش امروز بشر فقر از بین نمی رود مگر، سیاست گذاری جامعه و اقتصاد بر محور علم و علم استوار شود.

به علت پیوند فقر و رفاه به موضوع های ارزشی و به ویژه تاثیر پرداختن به آن بر روان آدمی، دین نیز به آن توجه داشته است. البته نه از نگاهی که علم به آن می پردازد، بلکه از نگاه به آن به عنوان ابزاری برای حرکت انسان به سوی کمال انسانی.

نگاهی به روند تکاملی علم اقتصاد در قالب دگرگونی اندیشه های اقتصادی در باره هدف های جوامع در زمینه فقر زدایی و گسترش رفاه علت های فقر و رفاه و سیاستها و اقدام های مناسب برای رفع فقر و گسترش رفاه می کنیم.

در یک فرایند تکاملی اقتصاد دانان کلاسیک به این نتیجه رسیدند که با آزادی اقتصادی، آزادی مالکیت خصوصی و دخالت نکردن دولت در اقتصاد، رشد اقتصادی بهر صورت می گیرد و به تبع این رشد، منافع آن میان افراد جامعه تقسیم می شود و می تواند فقر را کاهش دهد و رفاه را گسترش دهد.

پس از کوتاه زمانی، برخی اقتصاددانان به این نتیجه رسیدند که سپردن رفع فقر به بازار و ساز و کارهای آن، نمی تواند به اندازه کافی فقر را کاهش دهد و رفاه ایجاد کند. بر این پایه و با اتکا به یک نگاه نادرست، به این ایده اتکا کردند که مشکل نظام بازار مالکیت خصوصی ابزار تولید است. بر این پایه در صدد براندازی نظام

اقتصادی حاکم و ایجاد نظام سوسیالیستی بر آمدند و مالکیت اشتراکی دولتی و محور هر گونه بازار را در ایده و در عمل رقم زدند.

پس از گذشت اندک زمانی، تجربه ثابت کرد که این ایده، مبتنی بر واقع‌گرایی نیست و علم ناتوانی آن را در دستیابی به هدف رفع فقر اثبات کرد و بر عکس در برخی کشورها نشان داد که این ایده موجب گسترش بسیار زیاد فقر و نابسامانی اقتصادی شده است.

اقتصاددانان از این دو تجربه آموختند که اقتصاد بازار توانایی رشد اقتصادی را دارد، ولی توان کافی برای رفع فقر همگانی را دست کم در کوتاه مدت ندارد. بر این پایه با ترکیبی از این تجربه‌ها و تجربه‌های دیگر به این نتیجه رسیدند که اقتصاد بازار برای رشد مفید است و تا اندازه‌ای رفع فقر می‌کند، ولی دخالت دولت در رفع فقر با سیاست‌گذاری درست نیز می‌تواند بخشی از ناتوانی بازار را رفع کند.

در این دوره نظریه دولت رفاه مطرح شد که در مبتنی بر نظام بازار و مالکیت خصوصی برای گسترش رشد و دخالت دولت در بازار برای رفع کمبودهای بازار در رفع فقر و ایجاد رفاه همگانی بود. البته دخالتی که رشد را کاهش ندهد.

### نگاه اسلامی

**علت فقر در دیدگاه پیامبر: تنبلی و کار نکردن، عوامل طبیعی و ظلم برده داری.**

**علت‌های فقر و نابسامانی اقتصادی از دیدگاه حضرت امیر (ع):** راحت‌طلبی و بیکاری، نداشتن برنامه و تدبیر درست، نداشتن حساب و تقدیر مناسب، علت‌های طبیعی، علت‌های ساختاری، نپرداختن حقوق مالی توسط ثروتمندها، مدیریت ناشایست، خیانت و فساد مالی مسئولین، ویژه‌خواری و انحصارطلبی، مالیات‌های سنگین و احتکار، تورم و رکود.

### نتیجه‌گیری

در عملکرد پیامبر (ص) و هر یک از جانشینان او از جمله حضرت امیر (ع) در سیاست نظارتی، در توزیع بیت المال و تملک دارایی‌ها و در نگاه به فقرا و نیازمندان تفاوت وجود داشته است. این تفاوت‌ها به تناسب زمان، مکان، ساختارهای اجتماعی، درآمد و اقتصاد و مانند اینها بوده است.

همچنین علم اقتصاد مسیر تکاملی خوبی برای رفع فقر همراه رشد اقتصادی را طی کرده است.

تفاوت‌های عملکرد پیامبر (ص) با جانشینان او از جمله حضرت امیر (ع) و تفاوت در عملکرد برخی از اینها در زمانهای مختلف نشان می‌دهد دین برای این موضوع سیاست ثابت ندارد.

عملکرد پیامبر بیشتر به نگاه کلاسیک می‌خورد و عملکرد حضرت امیر ع بیشتر ترکیبی از نگاه کلاسیک و نگاه دولت رفاه است.

پس می‌توان متناسب با علم و تنها با نظارت احکام دین سیاست‌های مناسب فقر زدایی را انتخاب و اجرا کرد.

## نقد نگاه متعارف اقتصادی به مفهوم و اندازه گیری فقر:

### فقر به مثابه محرومیت از قابلیت ها

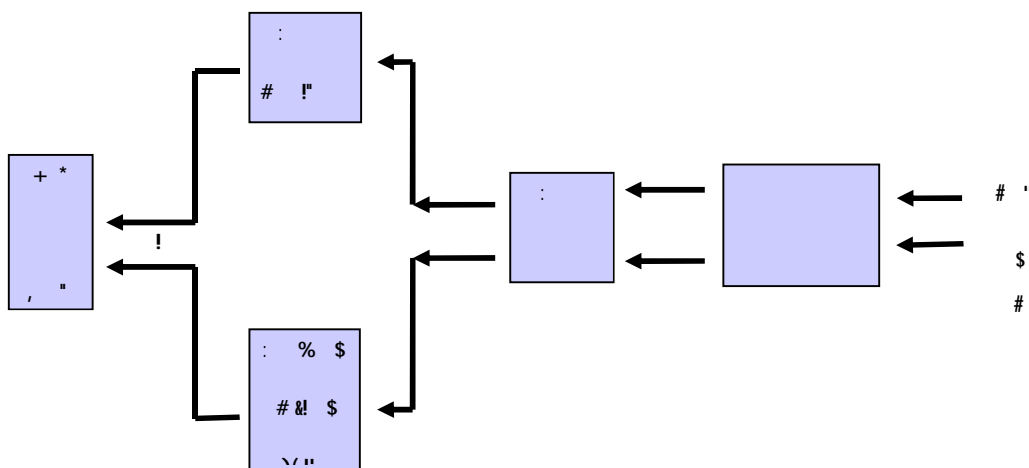
دکتر وحید محمودی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران

علم اقتصاد بطور اعم و اقتصاد توسعه به طور اخص علیرغم برخی شکست‌ها و ناکامی‌ها همواره در اندیشه انسان و رفاه او بوده است. تاریخ اقتصاد با موضوع توجه به فقر عجین است و هیچ نظر اقتصادی و اقتصاد توسعه نیست که مقدمتاً یا نهایتاً به موضوع فقر بی‌تفاوت باشد. پیشگامان علم اقتصاد و نیز علم اقتصاد توسعه همچون آدام اسمیت همواره تأکید کرده‌اند که رشد اقتصادی و رشد درآمدها تنها ابزاری برای تحقق زندگی بهتر برای انسانهاست، هر چند که این علوم گاهی ماهیت و غایت انسانی خود را فراموش کرده‌اند و به جای ایجاد تمرکز بر زندگی انسان توجه خود را به رشد اقتصادی و درآمد سرانه معطوف کرده‌اند. اگر چه که رشد اقتصادی و افزایش درآمدها یکی از ابزارهای قوی در رفع فقر و بهبود زندگی انسان است، اما بررسی تطور تاریخی تفکر درباره فقر حاکی از آن است که اندیشمندان اقتصادی به تدریج دریافته‌اند که صرف رشد اقتصادی نمیتواند مسئله فقر را از پیش روی بردارد. از این رو اهمیت جنبه‌های غیردرآمدی فقر نیز همچون بیسوادی، تبعیضهای جنسیتی و قومی و مواردی چون سوء تغذیه و مرگ و میر کودکان و مانند آن بیش از پیش در فرآیند رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفت.

ورود بحث عدالت توزیعی و عدم توزیع عادلانه درآمدها در واقع نخستین نشانه از کاستی‌های تأکید صرف بر رشد درآمدها بود. اقتصاددانان توسعه نمی‌توانستند در برابر توزیع ناعادلانه عواید رشد بی‌تفاوت باشند و ناگزیر از پاسخی برای آن بودند. اهمیت این مسئله از آنرو بود که به زعم ایشان با توزیع عادلانه‌تر درآمدها در واقع هم عدالت اجتماعی تحقق می‌یافت و هم فقر به طور محسوسی کاهش پیدا می‌گردد. اما برای پاسخ به توزیع نابرابر درآمدها دو راه حل کلی مطرح شد:

۱. فرآیند خودکار و اتوماتیک که اولین بار کوزنتس<sup>۱</sup> آن را در قالب منحنی معکوس مطرح نمود مبنی بر اینکه در مراحل اولیه رشد ابتدا توزیع نابرابرتر خواهد شد اما در دراز مدت جریان درآمدها به سمت توزیع بهتر و متعادل‌تر حرکت خواهد کرد و این توزیع درآمدها عملاً زمینه‌های کاهش فقر را فراهم می‌آورد.
۲. جریان دوم مبتنی بر رویکردی است که می‌بایست آن را حمایت‌گرا بنامیم. رویکردی که سعی دارد از طریق دخالت مستقیم دولت و نهادهای ذیربط از راه اعمال سیاستهای حمایتی و به صورت دستوری همچون سهمیه‌بندی، سوبسید و سیاستهای تثبیت قیمتی موجبات حفظ یا افزایش قدرت خرید فقرا را فراهم آورد. به روشنی می‌توان دریافت که هر دو رویکرد مزبور فقر را از جنس درآمد می‌دانند و برای جبران آن نیز افزایش درآمد را چاره کار می‌شمارند. اما علت کمبود درآمد در این دو دیدگاه متفاوت است. یکی علت را رشد اندک و دیگری توزیع نامتعادل درآمد موجود می‌داند. علیرغم این تفاوت به ظاهر ماهوی نهایتاً هر دو دیدگاه بر افزایش درآمد تأکید می‌کنند. نمودار زیر این بحث را بطور خلاصه نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup> - Kuznets (1955)



اما سؤال بعدی این بود که آیا با رشد اقتصادی و توزیع مجدد مشکل فقر مرتفع می شود؟ شواهد تجربی زیادی نشان داد که علیرغم وقوع رشد در بسیاری از کشورها هنوز جنبه های غیراقتصادی فقر بیداد می کند و شاخصه های اجتماعی وضعیت اسفباری را نشان می دهد. بدین ترتیب بود که بتدریج بسیاری از اندیشمندان اقتصادی و در رأس آنها سن و محبوب الحق دریافتند که توجه صرف به درآمدها برای کاهش فقر دچار کاستی هایی جدی است و تمرکز صرف بر درآمدها نمی تواند ابعاد مختلف فقر را از بین ببرد. این نگاه معتقد است که ریشه و علت اصلی فقر را نمی توان کمبود یا نبود درآمد دانست، بلکه ریشه های اصلی آن در فقدان شرایطی است که امکان خروج از وضعیت فقر را برای افراد فقیر فراهم می کند. آنان دریافتند که به جای تمرکز محدود بر درآمد به عنوان متغیر محوری، نظر خود را می بایست به عنصر قابلیت معطوف سازند.

بر اساس این دیدگاه در طی دو دهه گذشته سن و همکارانش توانسته اند با بسط و مفهوم سازی رویکردی نوین در مطالعات فقر که به رویکرد قابلیت معروف شده است، موجی جدید از چالش های نظری و کاربردی را در حوزه اقتصاد رفاه به خصوص موضوع فقر پدید آورند. ایشان با طرح رویکرد قابلیت فصلی جدید را در تعریف، ارزیابی و سیاست های اجتماعی معطوف به فقر در ادبیات اقتصادی گشودند، بطوریکه تاثیرات آن تا مرز یک نظریه عدالت پیش رفت.

مطالعات اخیر بانک جهانی<sup>۱</sup> نیز نشان داد که اساساً موضوع فقر تنها به کمبود درآمد یا فقدان درآمد باز نمی گردد. بلکه رکن بسیار مهم دیگری وجود دارد که از آن به عنوان هراس از آینده و ترس و نگرانی فقرا از سقوط بیشتر و از دست دادن همین حداقل ها یاد می شود. یعنی فقر دو رکن دارد. یکی درآمد و موفقیت ضعیف اقتصادی و دیگری آسیب پذیری از سقوط بیشتر به دامان فقر.

در اینجا بر آن هستیم که با بیان اهمیت موضوع، و اجمالی از تطور تاریخی تفکر فقر و کاستی های آن در رویکردهای رایج که عمدتاً آن را درآمد محور می نامیم، موضوع فقر قابلیت و تفاوت های آن را در سه حوزه تعریف، ارزش گذاری و سیاست گذاری با فقر درآمدی تبیین نموده و نشان دهیم که رویکرد قابلیت به مسئله

فقر به طور روشن تر قابلیت داندستن موضوع فقر عرصه جدید و وسیعی را در حوزه مطالعات فقر می‌گشاید و مبارزه با فقر از طریق رشد قابلیت‌ها به معنی رشد فرصت‌ها و رشد آزادی‌های انسانی عملی و پایدار خواهد بود. بنابر این، عمده تحلیل‌های مرتبط با فقر مبتنی بر رویکردی است که می‌بایست آن را رویکردی "درآمد محور" بنامیم. تعریف فقر، روش‌های اندازه‌گیری آن و نهایتاً سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی معطوف به فقر نیز به نوبت خود از نگاه "درآمد محوری" تاثیر می‌پذیرد. در تحلیل‌های رایج، فقر عبارتست از کمبود درآمد کافی، که ما آن را "فقر درآمدی" می‌نامیم. متعاقب این تعریف مبانی سنجش فقر و راهکارهای مقابله با آن مبتنی بر عنصری بنام درآمد خواهد بود. به زعم این دیدگاه‌ها داشتن درآمد مساوی است با داشتن کالاها و خدماتی که فقیر را از وضعیت فقر خارج می‌سازد. این تحلیل‌ها همانطور که نشان خواهیم داد از نواقص و نارسائی‌های رنج می‌برد. در این اینجا به اجمال بحث خواهیم کرد که فقر پیش از آنکه از نداشتن درآمد کافی ناشی شود از فقدان توانائی‌ها و قابلیت‌های لازم جهت کسب درآمد نشأت می‌گیرد و اثر درآمد بر این قابلیت‌ها محتمل و مشروط است. در صورتیکه که اگر فقر را موضوعی قابلیت‌بدانیم نه درآمدی، آنگاه می‌بایست فقر را به مثابه محرومیت از قابلیت یعنی توانایی خروج از وضعیت فقر تعریف کنیم.

به طور خلاصه، فقر موضوعی قابلیت‌است. قابلیت داندستن فقر علاوه بر ارزش ابزاری در رفع فقر از راه اجرا و پی‌گیری سیاست‌ها و اقدامات معطوف به رشد قابلیت‌های فردی، دارای ارزش ذاتی و نهادی نیز هست. ارزش ذاتی از آن‌روست که برخورداری از سواد، آموزش، بهداشت، تغذیه مناسب و سلامتی به‌خودی خود ارزشمندند و فرد دارای این قابلیت‌ها علاوه بر امکان کسب درآمد می‌تواند از داشتن اینها نیز لذت ببرد. لذتی که مطالعه یک کتاب یا یک روزنامه حاصل می‌شود. همچنین دارای ارزشی نهادی است چرا که فرد برخوردار از قابلیت می‌تواند در اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی بدون شرم و با هویت ظاهر شود و از این طریق شکاف اجتماعی و حاشیه‌نشینی اجتماعی کاسته شود، این امر به‌نوبه خود در رشد سرمایه اجتماعی مؤثر است.

تعریف محدود فقر به معنی نداشتن درآمد، نگاه‌ها و سیاست‌ها را به درآمد به عنوان ابزاری برای رفع فقر معطوف می‌کند و سیاست‌های رشدگرایانه و حداکثر توزیع مجدد در دستور کار قرار خواهد گرفت. در حالی که نارسائی‌ها برای افراد و خانوارهای فقیر تنها به بهبود درآمدها محدود نمی‌شود که با آن مرتفع گردد.

فقر قابلیت‌نیست نه تنها امکان کسب درآمد را محدود می‌کند بلکه فرد در معرض سقوط و ناتوانی بیشتری نیز خواهد بود و علاوه بر ناداری ترس از آینده نیز به مجموعه فقر او اضافه می‌شود. فقدان قابلیت‌ها ممکن است موجب از دست رفتن همان درآمد و سرمایه‌های اندک فقرا نیز بشود. علی (ع) می‌فرماید: "بزرگترین فقر بی‌خردی است"<sup>۱</sup> بی‌خردی موجب می‌شود که اندک پس‌انداز فقرا به‌واسطه فقر قابلیت‌همچون سواد و اطلاعات به یغما رود.

بنابراین تعریف فقر بر حسب محرومیت از قابلیت‌ها بزرگترین مزیتی که دارد تبیین سیاست‌ها و اقدامات اجتماعی خاص است که نه به‌صورت گذرا بلکه به صورت ریشه‌ای به مورد اجرا گذاشته شود. سیاست‌هایی که به طور هدفمند گروه‌های خاص را مورد توجه قرار می‌دهد.



تاملی در کاهش فقر از طریق بهره‌وری  
 علاءالدین ازوجی، مشاور وزیر و مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

در اینجا در پی آن هستیم که درباره اثر بهره‌وری بر فقر بحث کنیم. بهره‌وری می‌تواند رشد ایجاد کند و فقر را کاهش دهد. وضعیت بهره‌وری در جهان ایران در جدول زیر آورده شده است:

Output per worker (GDP constant 2011 international \$ in PPP)	Output per worker (GDP constant 2005 US \$)	شرح
34422	18933	کل جهان
3644	1034	کشورهای با درآمد پایین
16947	3702	کشورهای با درآمد متوسط به پایین
31732	10425	کشورهای با درآمد متوسط به بالا
90111	76852	کشوهای با درآمد بالا
57356	12305	ج.ا.ایران
58617	27539	ترکیه
135590	46379	عربستان

رابطه تورم، بهره‌وری و فقر در جدول زیر آورده شده است.



منشاء درآمدهای غیر کاری در ایران:

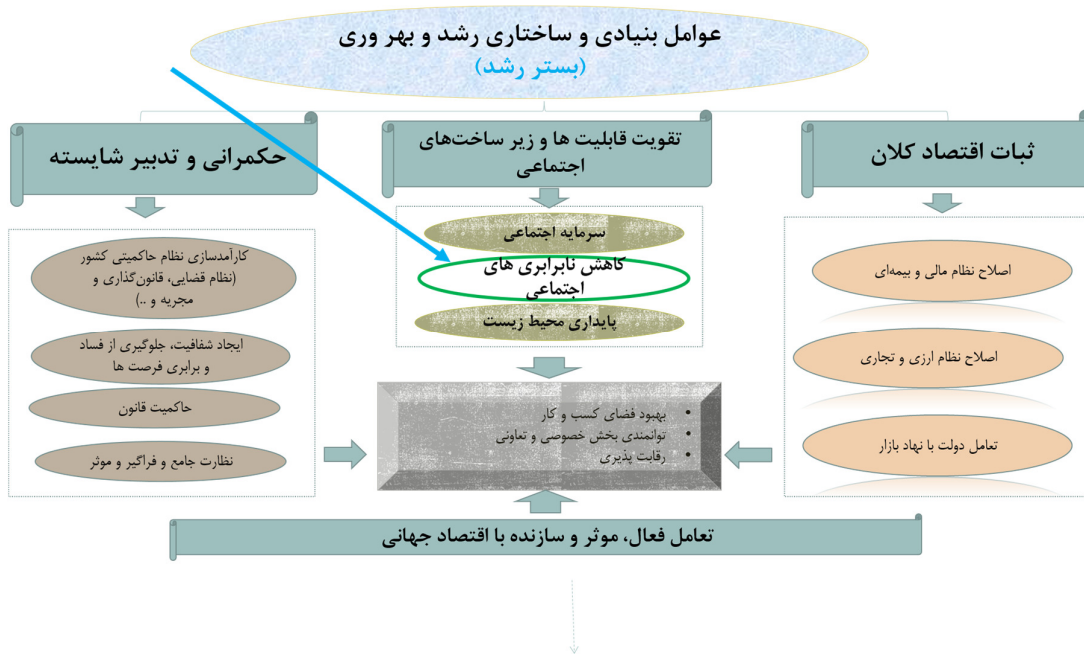
- حقوق بازنشستگی و بازخرید خدمت و ...
- درآمد حاصل از اجاره محل کسب، منزل، مستغلات و ...
- درآمد حاصل از حساب پس‌انداز سپرده ثابت، سهام، بیمه و ...
- کمک‌هزینه تحصیلی، و سایر حمایت‌های اجتماعی و ...

درآمد حاصل از محل فروش مصنوعات ساخته شده توسط خانوار و...  
 دریافتی‌های انتقالی از خانوارهای دیگر  
 دریافتی یارانه نقدی (از سال ۱۳۹۰ به بعد)

### مقایسه مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد:

تعداد شاغلین در خانوارهای مناطق روستایی همواره بیشتر از مناطق شهری است. اما میزان شاغلین در دهک‌های پایین در مناطق روستایی به مراتب کمتر از شهری است. نوسانات سطح دریافتی ناشی از کار در میان دهک‌های مناطق روستایی به مراتب بیش از مناطق شهری است. لذا پتانسیل نابرابری درآمدی ناشی از کار در این مناطق قابل توجه می‌تواند باشد. انتقال از یک دهک به دهک‌های بعدی و یا یک طبقه اجتماعی به طبقه بالاتر در مناطق روستایی (از منظر بهره‌وری و درآمد ناشی از کار) سخت‌تر و دشوارتر است.

آمار نشان می‌دهد که بخشی از وظایف، توانمندسازی برای ایجاد اشتغال هست. ایجاد اشتغال برای کم‌درآمدها == ارتقای بهره‌وری == بهبود وضعیت رفاهی



### نتیجه‌گیری

بر این پایه می‌توان گفت عوامل مختلفی بر بهره‌وری اثر دارند. چنانچه بتوان این عوامل را تحریک کرد می‌توان بخشی از این عوامل را آسان‌تر و بخشی را دشوارتر تحریک کرد. با تحریک اینها و افزایش بهره‌وری می‌توان هم رشد ایجاد کرد و هم بخشی از فقر را برطرف کرد.

